



نگاهی به سیره ابن حبان؛ عقل گرایی، محبت اهل بیت (ع) و تاریخ‌نگاری متمایز

استاد دانشگاه تهران در مراسم رونمایی از کتاب «سیره پیامبر(ص) و اخبار خلفا» یا همان «سیره ابن حبان» گفت: ابن حبان، تاریخ‌نگار و محدث اهل سنت، برخلاف دیگران، توجه ویژه‌ای به عاشورا و امام حسین(ع) داشته و هفت تا هشت صفحه از اثر خود را به این موضوع اختصاص داده، در حالی که درباره معاویه، حتی چند سطر نیز ننوشته است.

استاد دانشگاه تهران در مراسم رونمایی از کتاب «سیره پیامبر(ص) و اخبار خلفا» یا همان «سیره ابن حبان» گفت: ابن حبان، تاریخ‌نگار و محدث اهل سنت، برخلاف دیگران، توجه ویژه‌ای به عاشورا و امام حسین(ع) داشته و هفت تا هشت صفحه از اثر خود را به این موضوع اختصاص داده، در حالی که درباره معاویه، حتی چند سطر نیز ننوشته است. ارسال/ ابن حبان؛ مورخی نوگرا و محب اهل بیت(ع) به گزارش ایکنّا، حجت الاسلام و المسلمین رسول جعفریان، استاد دانشگاه تهران، ۳۰ آذرماه در مراسم معرفی و رونمایی از کتاب «سیره پیامبر(ص) و اخبار خلفا» معروف به سیره ابن حبان که از سوی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی برگزار شد، درباره اینکه چرا به شخصیتی چون ابن حبان پرداخته است، گفت: دلیل اصلی بنده بحث مقتل الحسین(ع) بود. ابن حبان شخصیتی برجسته و شناخته شده است که هفت تا هشت صفحه از کتاب خود را به واقعه عاشورا اختصاص داده، در حالی که درباره معاویه حتی چند سطر نیز ننوشته است؛ این در حالی است که معاویه ۲۰ سال خلافت داشته و قاعدتاً می‌بایست چند سطر به او اختصاص می‌داد.

وی با بیان اینکه ابن حبان درباره عاشورا جزئیات را بیان کرده و نکات متفاوتی نسبت به دیگران دارد، اظهار کرد: از جمله به داستان سفر اسرا و سر امام حسین(ع) و اتفاقاتی که در مسیر رخ داده است اشاره می‌کند. برای من مهم بود که این موضوع چگونه وارد اثر ابن حبان شده و همچنین اینکه منبع مطالب عاشورایی او چه بوده است.

جعفریان با بیان اینکه تصمیم گرفتم زندگینامه او را نیز بنویسم تا نگاهی عمیق‌تر به شخصیت، آثار و زندگی وی داشته باشم، افزود: سبک نگارش او نیز به گونه‌ای است که در فرد دیگری ندیده‌ام؛ به این معنا که ابتدا قصد تألیف کتابی درباره رجال را داشته و به اختصار از صحابه آغاز کرده، سپس به تابعین و بعد به ثقات مورخان و محدثان پرداخته تا به دوره خود رسیده است. بنابراین کمتر کسی چنین روشی دارد که کتابی با عنوان «ثقات» بنویسد و در عین حال، سیره‌ای به این تفصیل ارائه دهد، آن هم با مقدمه‌ای که به ثقات و صحابه اختصاص یافته باشد.

استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه «ثقات» به کسانی گفته می‌شود که مسئله‌ای ندارند و می‌توان به طور کامل به آنان اعتماد کرد، گفت: کتاب دیگر او المجروحین است که آن نیز اثری برجسته به شمار می‌رود و در امتداد آثاری است که رجالیون اهل سنت همچون الکامل ابن عدی، کمال و اکمال و میزان الاعتدال و دیگر کتاب‌ها تألیف کرده‌اند.

وی با بیان اینکه ابن حبان بخشی از کتاب خود را نیز به سیره نبوی اختصاص داده است، تصریح کرد: در شرح حالی که بنده برای ابن حبان نوشته‌ام، او متوفای ۲۵۴ هجری و متعلق به یک نسل پس از طبری است. کتابی مانند «انساب الاشراف» یک نسل پیش از طبری نوشته شده و ما هر ۳۰ سال را یک نسل در نظر می‌گیریم؛ بنابراین در ابن حبان با نسلی متأخر از طبری مواجه هستیم و او چندان قدیمی محسوب نمی‌شود، چراکه مربوط به اواخر دوره تدوین است.

جعفریان اظهار کرد: آثار طبقات ابن سعد و واقدی و دیگران پیش از ابن حبان نگاشته شده‌اند و ابن حبان یکی از آخرین حلقه‌ها در تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود؛ البته ممکن است تا حدود صد سال پس از او نیز آثاری یافت شود که حاوی مطالب تازه باشند.

مبنای نظریه خلفای راشدین

استاد تاریخ اسلام حوزه و دانشگاه با بیان اینکه از مقطعی در میان محدثان و مورخان این دیدگاه شکل گرفت که مسئله خلافت تنها درباره چهار نفر نخست مطرح بوده و دیگران در زمره ملوک به شمار می‌آیند، افزود: این نظر در میان اهل سنت رواج دارد، اما اینکه حدیث سکینه از چه زمانی مبنای این برداشت تاریخی قرار گرفته، خود محل بحث است. در هر صورت، نظریه «خلافت راشدین» که گاه امام حسن(ع) را نیز دربرمی‌گیرد، مبتنی بر حدیث سکینه است که بنده اعتمادی به این روایت ندارم. اصل اولیه در مواجهه با احادیث مهم و تحول آفرین تاریخی، عدم اعتماد است؛ زیرا ممکن است چنین روایاتی جعل شده باشند تا با نوعی اصلاح تاریخی، برخی مشکلات حل نشده تاریخ به نحوی توجیه یا برطرف شوند.

جعفریان با اشاره به اینکه ابن حبان کتابی تاریخی نگاشته است، گفت: برجسته‌سازی برخی موضوعات در اثر او نشان می‌دهد که مسئله‌ای خاص در ذهن وی وجود داشته است. ابن حبان نسبت به معاویه بدبین است و درباره یزید اساساً موضع پذیرشی

وی افزود: نکته دیگر اینکه ابن حبان شاگرد ابن خزیمه بوده است، او خود نقل می کند که به مرقد امام رضا(ع) می رفته، نماز می خوانده و از ایشان حاجت می گرفته است. در خراسان آن دوره، محبت ویژه ای نسبت به اهل بیت(ع) وجود داشته است. حاکم نیشابوری نیز که از شاگردان او به شمار می رود، مواضع تندى علیه معاویه داشت و کسی نمی توانست در حضور او از معاویه سخن بگوید؛ به همین دلیل متهم به تشیع شده است، در حالی که به صحیحین وفادار بوده و کتاب «المستدرک علی الصحیحین» را نیز تألیف کرده است.

ابن حبان و حب به اهل بیت(ع)

جعفریان بیان کرد: ما شاخه ای از اهل سنت خراسانی را می شناسیم که محبت فراوانی به اهل بیت(ع) و امام رضا(ع) دارند و به سادات علاقه مند هستند و هنوز هم از مناطقی چون افغانستان و دیگر کشورها برای زیارت امام رضا(ع) به مشهد می آیند. البته در چند دهه اخیر، تأثیر جریان وهابیت احتمالاً از شدت این گرایش کاسته است، اما ریشه این محبت، ریشه ای کهن و تاریخی دارد. به حدس بنده، ابن حبان نیز از همین جریان است؛ چراکه روضه خوانی عاشورا برای او اهمیت داشته و درباره امام حسین(ع) صفحات قابل توجهی را به این موضوع اختصاص داده است.

وی با بیان اینکه ابن حبان از حدود ۵۰ منبع استفاده کرده و همه این منابع متعلق به همان منطقه بوده اند، افزود: با حضور چهره هایی چون ابن حبان، حاکم نیشابوری و استاد او ابن خزیمه در خراسان، می توان گفت چنین جریانی از اهل سنت محب اهل بیت(ع) در آن منطقه وجود داشته است.

استاد دانشگاه تهران افزود: از جمله آثار باقی مانده از ابن حبان می توان به صحیح، «روضه العقلا»، «ثقات» و «مجروحین» اشاره کرد. روضه العقلا کتابی در حوزه حکمت است؛ در حالی که در میان اهل حدیث به ندرت چنین اثری دیده می شود، چراکه در این مکتب، معمولاً هر آنچه مطرح می شود مستند به پیامبر(ص) است و کمتر مجال بیان حکمت های شخصی وجود دارد. البته ابن حبان در این کتاب احادیثی نیز نقل کرده، اما محتوای غالب آن را سخنان و کلمات حکیمانه تشکیل می دهد.

جعفریان بیان کرد: صحیح ابن حبان نیز به همین شیوه است و با دیگر کتب صحاح تفاوت های اساسی دارد و از تنظیمی متفاوت و خاص برخوردار است؛ به گونه ای که خود مؤلف به طور مستقیم در سامان دهی آن دخالت داشته است. او در کتاب «المسند الصحیح علی التقاسیم و الانواع» به دسته بندی احادیث پرداخته و آن ها را به صورت موضوعی تنظیم کرده است، در حالی که اهل حدیث معمولاً چنین روشی را به کار نمی برند. برای نمونه، احادیث را به اوامر، نواهی، اخبار، اباحات، افعال و دیگر عناوین تقسیم کرده است؛ شیوه ای که مطلقاً در کتب حدیثی رایج دیده نمی شود.

وی افزود: ابن حبان در این اثر، اوامر را در ۱۱۰ نوع، نواهی را در ۱۱۰ نوع، اخبار را در ۸۰ نوع و افعال را در ۵۰ نوع طبقه بندی کرده است؛ از این رو، چنین الگوی تنظیمی برای یک کتاب صحیح را به هیچ وجه در دیگر آثار مشابه نمی توان یافت.

تعبیر چالشی در مورد نبوت و رابطه آن با علم و عمل

وی افزود: ابن حبان گاه بر اساس اندیشه شخصی خود سخنانی مطرح کرده که برایش دردسرساز شده است؛ مشابه آنچه امروز نیز درباره برخی نوگرایان دیده می شود. از جمله گفته بود «نبوت، علم و عمل است». برخی از این سخن چنین برداشت کردند که او وجه الهی نبوت را قبول ندارد و به همین دلیل مورد حمله قرار گرفت. ذهبی این سخن را چنین توجیه می کند که مراد ابن حبان این بوده است که پیامبر به دلیل برخورداری از علم و عمل صالح، به مقام نبوت رسیده است. با این حال، اتهام قرمطی بودن نیز به او زده اند. این دیدگاه او در واقع ناظر به این پرسش است که آیا عصمت و علم پیامبر(ص) امری الهی است یا ناشی از شایستگی انسانی، و اینکه این شایستگی تا چه حد باید باشد تا انسانی به مقام نبوت برسد.

جعفریان اظهار کرد: ابن واعظ گفته است که ما ابن حبان را از سجستان بیرون کردیم، زیرا او فردی دیندار نبود؛ در حالی که به اعتقاد من، ابن حبان فردی دیندار بوده است. او گرایش های فلسفی داشته و معتقد بوده که نبوت در وجود انسان شکل می گیرد. در موارد دیگری نیز شاهد هستیم که برخی افراد فیلسوف مسلک بوده اند، اما برای اینکه مردم سخنانشان را بپذیرند، خود را نبی معرفی می کرده اند.

ارسال/ ابن حبان؛ مورخی نوگرا و محب اهل بیت(ع)

استاد و پژوهشگر تاریخ اسلام با بیان اینکه ابن حبان در برخورد با برخی احادیث موضعی تند دارد، اظهار کرد: او هنگامی که به روایتی مبنی بر بستن سنگ بر شکم پیامبر(ص) از شدت گرسنگی می‌رسد، آن را باطل می‌داند و می‌گوید «کَلَّهَا ابَاطِيلُ» و معتقد است، به تعبیر ابوحنیفه، باید چنین روایاتی را به دیوار کوبید.

وی با بیان اینکه در مباحث فقهی آن دوره نیز اختلاف نظرهای فقهی رایج بوده است، افزود: همان گونه که امروز میان مراجع تقلید فتاوی متفاوتی وجود دارد، در آن زمان نیز دیدگاه های فقهی در شهرهایی چون مکه، شام و مدینه با یکدیگر تفاوت داشت و حتی گاه نقش حکومت ها در شکل گیری این تفاوت ها مشهود بوده است. ابن حبان نیز در این زمینه دیدگاه های فقهی خاص خود را داشته است.

سرنوشت مبغض اهل بیت(ع) از منظر ابن حبان

جعفریان با بیان اینکه کار ابن حبان در تاریخ نگاری جالب است، از جمله زیارت و توصیف قبر امام رضا(ع)، افزود: حس تاریخی او قابل توجه است. او فضایل مهمی درباره امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده و آورده است که کسی که مبغض اهل بیت(ع) باشد، تا ابد در جهنم خواهد بود، یعنی نواصب. برخی نواصبی معتقد بودند که کاتبان قرآن همان حکم قرآن را دارند و معاویه نیز چون کاتب بود، این ویژگی را دارد.

وی ادامه داد: درباره امام رضا(ع) نیز ابن حبان گفته است که ایشان با سم به شهادت رسیده اند و خود بارها از ایشان حاجت گرفته و همراه استادش به زیارت مرقد آن حضرت رفته است. او حتی فاصله قبر هارون تا قبر امام رضا(ع) و محل دقیق مقبره حضرت را نیز توصیف کرده است.

جعفریان اضافه کرد: شیخ صدوق نیز در همان دوره فعالیت داشته و دیدگاه غالب شیعه را به سمت این موضوع برده است که مأمون فردی بد بود و امام رضا(ع) را مسموم کرد؛ هرچند این نظر بیشتر در بین قمی ها جا افتاد و بغدادی ها معتقد بودند مأمون این قدر هم بد نبود. ابن حبان نیز نظرش بر مسمومیت امام رضا(ع) توسط مأمون است.

جعفریان در پایان تأکید کرد: به طور کلی، ابن حبان هیچ تمایلی به بنی امیه و حتی معاویه نداشته و محب اهل بیت(ع) به ویژه امام رضا(ع) بوده است. بهترین شاهد این مدعا آن است که درباره معاویه کمترین نکته ای را بیان نکرده، در حالی که درباره امام حسین(ع) حدود هشت صفحه مطلب آورده است. او نوعی عقل گرایی خاص خود دارد که در کتاب روضه العقلا مشهود است.

استاد حوزه و دانشگاه در پایان افزود: درباره کودکی امام حسین(ع) نیز ابن حبان مطلب زیبایی نقل کرده است؛ گفته است که حسین بن علی(ع) از پدرش از پیامبر(ص) روایت کرده که پیامبر(ص) فرموده اند: «بخیل است کسی که اسم مرا بشنود و صلوات نفرستد». این روایت توسط امام حسین(ع) در سن کودکی نقل شده است. ابن حبان در دفاع از امام حسین(ع) می‌گوید: درست است که سن امام(ع) شش سال بوده، اما او عربی را می‌دانسته و هر آنچه می‌شنیده حفظ می‌کرده است؛ حافظه او قوی بوده و متن روایت نیز آنقدر دقیق است که قابل قبول می‌باشد. همچنین درباره سلیمان بن صرد نیز موضعی هوادارانه اتخاذ کرده است.